

موفقیت در گام دوم، در گرو عمل به قرآن

قرآن بزرگترین نسخه نجات دهنده بشریت

علی اکبر عالمیان

حضرت امام خمینی علیه السلام در ابتدای وصیت نامه خویش به نکته مهمی اشاره می‌کنند که این نکته می‌تواند چراغ راه نیروهای ارزشی در پیمودن گام دوم انقلاب باشد. ایشان در وصف قرآن به عنوان یکی از دو ثقلی که نبی مکرم اسلام برای همگان به یادگار گذاشتند، کتاب‌الله را بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی برای بشریت ذکر کرده و تاکید می‌کنند: «ما مقتدریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد.» نکته‌ای که امام بدان اشاره می‌کنند، مسئله نجات‌بخش بودن قرآن برای بشریت است. در گام دوم انقلاب نیز برای پیمودن راه‌های دشوار اما قطعی الوصول موفقیت، نسخه نجات‌بخشی جز قرآن وجود ندارد و بدون تمسک به این مصحف شریف نمی‌توان این گام مهم را با موفقیت برداشت.



نجات‌بخشی قرآن از نگاه قرآن

یکی از مهم‌ترین مسائل، ویژگی‌های قرآن از نگاه خود قرآن است. آیاتی که به این مسئله می‌پردازند، بر نجات‌بخشی قرآن برای جوامع بشری تاکید دارند چرا که طبق این آیات، قرآن دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. موجب هدایت همه مردم: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»؛ ماه رمضان ماهی است که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است.

۲. موجب هدایت پرهیزکاران: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.

۳. جدا کننده حق از باطل: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰى عَبْدِهِ لِيُكَوِّنَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ پربرکت است آن (خدایی) که فرقان (قرآن) جدا کننده میان حق و باطل و جدا جدا از حیث آیات و (سور) را به تدریج بر بنده خود فرو فرستاد تا همه جهانیان را (از انس و جن تا انقراض نسلشان) بیم دهنده باشد.

۴. دلیل روشن و نور آشکار: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأُنزِلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا»؛ ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.

۵. شفاء و رحمت برای مؤمنان: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم.

۶. هدایت کننده به استوارترین راه‌ها: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است.

۷. بشارت برای مومنان: «تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ. هُدًى وَبُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ این آیات قرآن و کتاب مبین است. وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

۸. عظمت و صلابت: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافت! این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید.

نجات‌بخشی قرآن از نگاه نهج البلاغه

در خطبه‌های نهج‌البلاغه، فرازهای گوناگون و بسیار زیبایی را می‌توان یافت که امیر بیان در توصیف قرآن و وصف

هدایت‌گری و نجات‌بخشی آن سخن به میان آورده است. در خطبه‌ها ۱۸ آمده است که: «قرآن ظاهرش زیباست و باطنش ژرف است. عجایبش انتها نپذیرد و غرابیش پایان نگیرد. و تاریکی جز بدان از میان نرود.» در خطبه‌ها ۱۵۸ نیز حضرت تاکید می‌فرمایند که: «این نور همان قرآن است آن را به سخن آرید اگر چه هرگز [با زبان عادی] سخن نمی‌گوید.» در خطبه ۱۸۳ نیز آمده است که: «قرآن فرمان دهنده ای است بازدارنده ساکتی است گویا و حجت خداوند است بر مخلوقش خداوند پیمان عمل به قرآن را از بندگان گرفته و آنان را در گرو دستورات آن قرار داده نورانیت آن را تمام و دینش را با آن کامل ساخته است.» دو خطبه ۱۷۶ و ۱۹۸ نیز به تفصیل و زیبایی هر چه تمام تر، قرآن از نگاه امیرالمومنین علیه السلام تبیین شده است. در خطبه ۱۷۶ آمده است: «این قرآن پنددهنده ای است که انسان را نمی‌فریبد هدایت کننده ای که گمراه نمی‌سازد و سخنگوئی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. هر کس با قرآن مجالست کند از کنار آن با زیادتی یا نقصانی برمی‌خیزد: زیادتی در هدایت یا نقصان از کوردلی و جهل آگاه باشید هیچکس پس از داشتن قرآن فقر و بیچارگی ندارد و هیچکس پیش از آن غنا و بی‌نیازی نخواهد داشت. بنابراین از قرآن برای بیماری‌های خود شفا و بهبودی بطلبید و برای پیروزی بر شدائد و مشکلات از آن استعانت جوئید زیرا در قرآن شفای بزرگترین بیماریها یعنی کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است پس آنچه می‌خواهید به وسیله قرآن از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به سوی خداوند توجه کنید هرگز به وسیله کتاب خدا از مخلوق چیزی درخواست نکنید [و آنرا وسیله رسیدن به آرزوهای مادی خود قرار مدهید] زیرا چیزی که بندگان به وسیله آن به خدا تقرب جویند محترم تر از قرآن نیست. و بدانید قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته و گوینده ای است که سخنش تصدیق می‌گردد. آن کس که قرآن در قیامت شفاعتش کند مورد شفاعت قرار می‌گیرد. و هر کس قرآن از او شکایت کند گواهیش بر ضد او پذیرفته می‌شود در روز قیامت گوینده ای صدا می‌زند: آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بذری است که افشاند و گرفتار عاقبت کاری است که انجام داده جز آنان که بذری قرآن افشاندند پس شما از بذرافشانان قرآن و پیروان آن باشید با قرآن خدا را بشناسید و خویشتان را با آن اندرز دهید و هر گاه [نظر شما بر خلاف قرآن بود] خود را متهم کنید و خواسته‌های خویشتان را در برابر قرآن نادرست بشمارید.» در خطبه ۱۹۸ نیز آمده است: «قرآن معدن ایمان است و مرکز آن، چشمه‌های دانش است و دریاهای آن، منابع عدالت است و غدیرهای آن، پایه‌های اسلام است و بنیان آن، نهرهای زلال‌های حق است و سرزمینهای مطمئن آن، دریائی ست که بهره‌گیران تشنه‌ها، آبش را تمام نتواند کشید، و چشمه‌هایی است که از آن کم نتوانند کرد، محل

در خطبه‌های نهج البلاغه،

فرازهای گوناگون و بسیار

زیبایی را می‌توان یافت که

امیر بیان در توصیف قرآن

و وصف هدایت‌گری و

نجات‌بخشی آن سخن به

میان آورده است. در خطبه

۱۸۳ آمده است که: «قرآن

فرمان دهنده ای است

بازدارنده ساکتی است گویا

و حجت خداوند است بر

مخلوقش خداوند پیمان عمل

به قرآن را از بندگان گرفته

و آنان را در گرو دستورات

آن قرار داده نورانیت آن را

تمام و دینش را با آن کامل

ساخته است

نور راه ببینید.»^{۱۳} در روایتی از امام رضا^ع آمده است: «هدایت را جز از قرآن مجوید که گمراه خواهید شد.»^{۱۴}

نجات بخشی قرآن از نگاه بزرگان

از نگاه بزرگان دینی نیز می توان موارد گوناگونی را در توصیف نجات بخشی و عظمت قرآن مشاهده کرد که ما تنها به بخشی از توصیفات دو عارف بزرگ معاصر یعنی امام خمینی و آیت الله العظمی بهجت اشاره می کنیم.

امام خمینی، قرآن را کتاب هدایت دانسته و در این مورد می گویند: «بدانکه این کتاب شریف [قرآن مجید] چنانکه خود تصریح فرموده، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نور بخش سیر الی الله است.»^{۱۵} به تعبیر ایشان: «قرآن، یک سفره ای است که خدا پهن کرده برای همه بشر. یک سفره پهنی است، هر که به اندازه اشتهايش از آن می تواند استفاده کند.»^{۱۶} از نگاه امام: «این کتاب و این سفره گسترده در شرق و غرب، و از زمان وحی تا قیامت، کتابی است که تمام بشر، عامی، عالم، فیلسوف، عارف، فقیه، همه از او استفاده می کنند... [در قرآن کریم] مسائلی هست که عرفای بزرگ اسلام از آن استفاده می کنند و مسائلی هست که فلاسفه و حکمای اسلام از آن استفاده می کنند و مسائلی هست که فقهای بزرگ از آن استفاده می کنند و این سفره همگانی است برای همه، و این طوایف از آن استفاده می کنند، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی... همه در این کتاب مقدس هست.»^{۱۷} آیت الله العظمی بهجت نیز با تاکید بر این نکته که: «توسل به قرآن و حمل و فهم و قرائت آن، برای نجات عموم مردم - چه رسد به خواص - مفید است»^{۱۸}، می گویند: «خدا می داند قرآن برای اهل ایمان - مخصوصاً اگر اهل علم باشند - چه معجزه ها و کراماتی دارد و چه چیزهایی از آن خواهند دید.»^{۱۹} ایشان همچنین یاد آور می شوند که: «اگر قرآن را به صورت واقعی اش ببینیم، آن گاه معلوم می شود که دست از تزیین می شناسیم یا نه.»^{۲۰} به تعبیر ایشان: «برنامه قرآن، آخرین برنامه انسان سازی است که در اختیار ما گذاشته شده است، ولی ما از آن قدرانی نمی کنیم.»^{۲۱} آیت الله بهجت همچنین قرآن را جامع کمالات همه انبیای اولوا العزم (علیهم السلام) دانسته^{۲۲} و تاکید می کنند: «آیا هیچ می دانیم که قرآن، نظیر سایر مکتوبات نیست! گویی قرآن، موجودی ربوبی از عالم نور و روحانی است که در عالم اجسام و اعراض ظهور کرده است.»^{۲۳}

شفا بخشی و هدایت گری؛ دو مشخصه نجات بخشی قرآن

اگر بخواهیم به دو مشخصه نجات بخشی قرآن اشاره کنیم، مشخصاً می توان به مسئله شفابخشی و هدایت گری آن اشاره کرد:

۱. شفا بخشی:

شفابخشی قرآن در برخی از آیات مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از آیات خداوند می فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ

برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند کم نمی شود، منازل است که مسافران، راه آن را گم نمی کنند نشانه هائی است که از چشم سیرکنندگان پنهان نمی ماند و کوهساری است که [دیده رهگذران را به خود متوجه ساخته] از آن نمی گذرند. خداوند این قرآن را فرونشاندن عطرش دانشمندان، باران بهاری برای قلب درک کنندگان، و جاده وسیع برای صالحان قرار داده است. قرآن دارویی است که پس از آن بیماری باقی نمی ماند، نوری است که بعد از آن ظلمتی یافت نمی شود، ریسمانی است که دستگیره آن مطمئن، پناهگاهی است که قله بلند آن مانع دشمنان، نیرو و قدرتی است برای کسی که به آن چنگ زند، محل امنی است برای هر کس که به آن وارد شود، راهنمایی است برای آنکه به آن اقتدا کند، انجام وظیفه ای است برای آنکس که مذهب خویش گرداند، برهانی است برای کسی که به گفته هایش استدلال کند، شاهد و گواهی است برای آنکه از آن سخن بگوید، پیروزی و غلبه است برای افرادی که با آن استدلال نمایند، نجات دهنده ای است برای کسی که حامل آن باشد و به آن عمل کند، مرکب راهواری است برای کسی که آن را بکار گیرد، نشانه ای است برای کسی که با آن علامت گذاری کند، سپری است برای آنکس که لباس رزم بپوشد، دانشی است برای کسی که حفظ کند، گفتار پرارزشی است برای آنکه روایت کند و حکم و فرمانی است برای کسی که قضاوت و به عهده گیرد.»

نجات بخشی قرآن از نگاه معصومین

در نگاه حضرات معصومین (س) نیز می توان فرمایشات متعددی را مشاهده نمود که بر نجات بخش بودن قرآن برای بشریت تاکید دارند. پیامبر بزرگوار اسلام در این مورد می فرمایند: «هنگامی که فتنه ها، هم چون پاره های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید.»^{۲۴} امام حسن مجتبی^ع نیز می فرمایند: «چراغهای نور و شفای سینه ها در این قرآن است. پس باید سالک، در نور آن راه ببیند و با این ویژگی، دل خود را لگام زند؛ زیرا این اندیشیدن حیات دل بیناست، همان گونه که آدمی در تاریکی ها با نور روشنایی می گیرد.»^{۲۵} ایشان همچنین تاکید می فرمایند: «در دنیا غیر از این قرآن چیزی نمانده است. پس آن را امام خود قرار دهید تا شما را به هدایت راهنمایی کند. سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل کند، هر چند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین فرد از قرآن کسی است که به آن عمل نکند، هر چند آن را بخواند.»^{۲۶} از حضرت علی بن الحسین^ع نیز روایت شده است که فرمود: «آیه های قرآن گنجینه هائی است، پس هرگاه در یک گنجینه را گشودی شایسته است که بدانچه در آن است نظری بیفکنی.»^{۲۷} حضرت امام صادق^ع نیز فرموده است: «همانا این قرآن (کتابی) است که در آن است جایگاه نور هدایت و چراغهای شب تاریک، پس شخص تیز بین باید که در آن دقت کند و برای پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشه کردن زندگانی دل بینا است، چنانکه جوایب روشنی است در تاریکی ها به سبب



رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ»^{۲۴} و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم. در جایی دیگر نیز آمده است: «قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً»^{۲۵} همچنین قرآن خود را شفای دل‌ها اعلام کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^{۲۶}؛ ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی، و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «روز فتح مکه با پیامبر صلی الله علیه و آله به کنار کعبه آمدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: بنشین. نشستیم. آنگاه حضرت روی شانه‌هایم رفت و من بر پای ایستادم. آن حضرت شروع به سخن نمود و از جمله فرمود: هر کس به وسیله قرآن شفا نجوید و نخواهد، خدا او را شفا نخواهد داد.»^{۲۷} همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، امیرمؤمنان علیه السلام درباره شفا بخشی قرآن می‌فرماید: «از قرآن برای بیماری‌های خودشفا طلبید و به آن برای حل مشکلات خویش استعانت جویید؛ چه اینکه در قرآن شفای بزرگترین دردهاست که آن درد کفر، نفاق، گمراهی و ضلالت است.»^{۲۸}

مقصود از شفا بخشی قرآن را می‌توان در سه مولفه جستجو کرد:

یک. قرآن دلیل نبوت و صدق آورنده آن است که مردم به واسطه آن از سرگردانی ضلالت و گمراهی، به هدایت خلاصی می‌یابند؛ مانند بیماری که از مرض شفا یابد. دو. قرآن بیانگر دلایل روشن است و هر صاحب شک و شبهه‌ای را که در او نظر کند به علم و یقین رهنمون سازد و علم، شک او را زایل نماید.

سه. محال نیست که مردم به قرآن تبرک جویند و شفای بیماری جسمی خویش را از او طلب نمایند؛ چرا که احادیث زیادی در این زمینه آمده است و از جمله نام‌های سوره حمد شفا است.^{۲۹} آیت الله جوادی آملی نیز درباره شفا بخشی قرآن می‌نویسد: «بیمار اگر بخواهد درمان شود، با شفا بهبود می‌یابد و دارو ذاتا شفای مریض نیست زیرا بسیار اتفاق می‌افتد که مریض دارویی را مصرف می‌کند اما بیماری او شفا نمی‌یابد. خداوند قرآن را دارو معرفی نمی‌کند بلکه او را شفا می‌داند و شفا بخشی آن نیز قطعی است. هر کس که به قرآن روی آورد، آن را بفهمد، بپذیرد و عمل کند به طور قطع بیماری‌های درونی‌اش از بین می‌رود، مگر اینکه شخص مریض به قرآن مراجعه نکند و یا مراجعه‌اش از روی میل نباشد و یا پس از مراجعه به قرآن دستور و نسخه شفا بخش آن را نپذیرد و عمل نکند و یا عملش نادرست باشد.»^{۳۰}

۲. هدایت‌گری

جنبه دیگر از نجات بخشی قرآن، شاخصه هدایت‌گری آن است. این شاخصه به قدری پررنگ است که حتی تعجب همراه با اعتراف جنیان را نیز به دنبال دارد: «وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ ... قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يُدْخِلُ إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ»^{۳۱}؛ (به یاد آور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند ... گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه‌های کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند.

آیات زیر این شاخصه را به روشنی به تصویر می‌کشد:

۲.۱. «... قُلْ إِنَّمَا أُنبِئُكُمْ بِوَحْيِ اللَّهِ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^{۳۲}؛ بگو: من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند.

۲.۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^{۳۳}؛ ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی، و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است.

۲.۳. «وَ مَا أَنْتَ بِهَادِئِ الْعَمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُونَ»^{۳۴}؛ و (نیز) نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی؛ تو تنها سخنت را به گوش کسانی می‌رسانی که ایمان به آیات ما می‌آورند و در برابر حق تسلیمند!

۲.۴. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^{۳۵}؛

در نگاه حضرات

معصومین (س) می‌توان

فرمایشات متعددی را مشاهده

نمود که بر نجات بخش بودن

قرآن برای بشریت تاکید

دارند. پیامبر بزرگوار اسلام

در این مورد می‌فرمایند:

«هنگامی که فتنه‌ها، هم چون

پاره‌های شب تاریک، شما را

در خود پیچید، بر شماست که

به قرآن تمسک جویید.»



آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است.

۲.۵. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! آنها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند!

۲.۶. «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مِثْرًا كَمَا نُنزِّلُ اللَّحْمَ لَلْعَمَلِ تَرْجَمُونَ أَوْ يَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ...»؛ و این کتابی است پر برکت، که ما (بر تو) نازل کردیم؛ از آن پیروی کنید و پرهیزگاری پیشه نمائید، باشد که مورد رحمت (خدا) قرار بگیرید!

مصادیق نجات یافتگان از نگاه قرآن

در آیات قرآن می توان مصادیقی را یافت که نشان می دهد که برخی از افراد و یا امت ها راه نجات را یافته اند. به اختصار می توان این افراد و یا جوامع را این گونه بیان کرد:

۱. افرادی که از آتش جهنم رهایی پیدا می کنند: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا. ثُمَّ نُنزِلُ الَّذِينَ أَنْتَقُوا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا.»؛ و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم؛ و ظالمان را در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده اند. در آن رها می سازیم.

۲. افرادی که از عذاب دردناک رهایی و نجات یافته اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدْرِكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ.»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟!

۳. افرادی که از رسوایی رهایی و نجات یافته اند: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ.»؛ و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است.

۴. افرادی که از حوادث سخت دنیوی نجات یافته اند: «وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابِ غَلِيظٍ.»؛ و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید(تنداب سخت)، رهایی بخشیدیم.

۵. افرادی که از گرفتاری و بلا نجات یافته اند: «قُلْ مَنْ يُنَجِّبِكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. قُلْ اللَّهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمَنْ كُلُّ كُذِّبٌ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْكِرُونَ.»؛ بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا

رهایی می بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می خوانید؛ (و می گوید): اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.» بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می دهید! (و راه کفر می پویید).»

چه کسانی لیاقت نجات را دارند؟

طبق آیات قرآن، برخی کسانی لیاقت نجات را داشته و در زمره نجات یافتگان قرار می گیرند که اولاً؛ به خداوند ایمان واقعی آورده باشند: «وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.»؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند «وَ لَقَدْ جَنَّاهُمْ بِكِتَابٍ فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.»؛ ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می آورند.

ثانیاً؛ اهل تقوا باشند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ.»؛ ثالثاً؛ اهل نیکوکاری باشند: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ.»؛ این آیات کتاب حکیم است (کتابی پر محتوا و استوار)؛ مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. رابعاً؛ برای کسب رضای خدا از او پیروی کنند: «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.»؛ از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راههای سلامت، هدایت می کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می نماید. و خامساً؛ عضو حزب الله باشند: «أَلَا إِنَّ جِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»؛ بدیند «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

پذیرش ربوبیت الهی و تعبد به دین؛ دو شرط اصلی نجات انسان

طبق آیات الهی، دو شرط اصلی نجات انسان، پذیرش ربوبیت الهی و تعبد به دین است:

۱. پذیرش ربوبیت الهی

پذیرش ربوبیت الهی به معنای این است که قائل به توحید در تمام ابعاد آن باشیم: «قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ بُنْيَ رَبَّآ وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ.»؛ بگو: آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟ و «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ.»؛ بگو: چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟ بگو: خداوند یگانه. همچنین در آیه ۱۶۵ سوره بقره آمده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ بَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ.»؛ بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشق آنان به خدا (از



مشرکان نسبت به معبودهای آنها) شدیدتر است، و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت از آن خداست؛ و خدا مجازات شدید می‌کند (نه معبودهای خیالی که از آنها می‌هراسند پذیرش ربوبیت الهی یعنی اینکه خدا را ولی خود بدانیم: «بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ»^{۱۵}: «آنها تکیه‌گاه شما نیستند، بلکه ولی و سرپرست شما، خداست؛ و او بهترین یاوران است.

پذیرش ربوبیت الهی به این معناست که خداوند را حامی خود بدانیم: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^{۱۶}: «اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم به آنان گفتند: مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند. از آنها بترسید! اما این سخن، بر ایمان ایشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست. یعنی این که خدا را تنها پناهگاه خود بدانیم: «ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ»^{۱۷}: (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست. یعنی اینکه فقط به خدا باید توکل کرد: «قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ»^{۱۸}: «... بگو: خدا مرا کافی است و همه متوکلان تنها بر او توکل می‌کنند.

۲. تعبد به دین

شرط اصلی دیگر در نجات انسان‌ها، تعبد آنان به دین است. خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»^{۱۹}: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند. علامه طباطبایی ذیل ابن‌ایه شریفه می‌گوید: «دین همان سنت حیات و راه و روشی است که انسان را به سعادت می‌رساند. هدایت به سوی این سعادت که غایت و کمال نوع انسان است، به طور تکوینی در خلقت انسان تعبیه شده؛ چنان که همه موجودات مشمول هدایت تکوینی الاهی، به سوی غایت خود در حرکت هستند»^{۲۰}.

استاد شهید مرتضی مطهری نیز می‌گوید: «حقیقت دین، اسلام است: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ و اسلام، یعنی تسلیم حق و حقیقت بودن. تسلیم مراتبی دارد:

ا. تسلیم تن: گاهی جسم و بدن، تسلیم حریف می‌شود؛ اما فکر و اندیشه تسلیم او نمی‌شود؛
ب. تسلیم عقل و فکر: عقل در برابر منطق و استدلال تسلیم می‌شود. «اگر دلیل کافی وجود داشته باشد و بر عقل عرضه شود و آن رافهم کند، تسلیم می‌گردد ولو

آن که همه زورهای جهان بگوید، تسلیم نباش. ج. تسلیم قلب: «حقیقت ایمان، تسلیم قلب است... تسلیم قلب مساوی است با تسلیم سراسر وجود انسان و نفی هرگونه جحود و عناد»^{۲۱}.

راههای نجات انسان

اکنون که دو شرط اصلی نجات انسان بیان گردید، به راه‌های نجات بشریت از نگاه قرآن اشاره‌ای می‌نماییم. اگر بخواهیم راه نجات و رستگاری را از نگاه قرآن بررسی نماییم، می‌توانیم آیاتی را بیابیم که در آن خداوند بر رستگاری انسان‌ها تاکید فرموده و با اصطلاحاتی نظیر: «الْفَائِزُونَ»، «الْمُفْلِحُونَ»، «الْقَوْمُ الْمَغْلِبُ» و مانند آن از آن یاد کرده است. بنابراین معیار می‌توان راه نجات و رستگاری را در موارد زیر جستجو کرد:

۱. اطاعت از خداوند: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^{۲۲}: بگو: خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!

۲. ایمان به خدای متعال: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ. أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۲۳}: و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند؛ و به رستخیز یقین

امام خمینی، قرآن را کتاب

هدایت دانسته و در این مورد می

گویند: «بدانکه این کتاب شریف

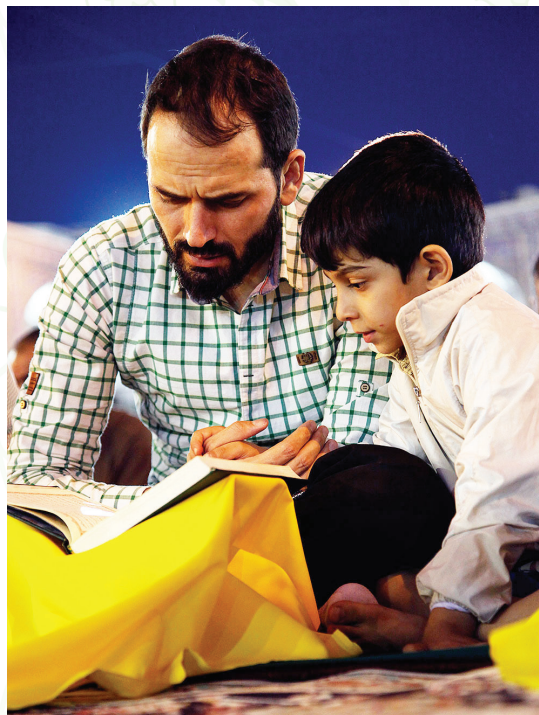
قرآن مجید چنانکه خود تصریح

فرموده، کتاب هدایت و راهنمای

سلوک انسانیت و مریی نفوس و

شفای امراض قلبیه و نور بخش

سیر الی الله است.»



می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

۷. اقامه نماز و ابتناء کاتب: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ. أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»^{۶۴}؛ همانان که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند و آنها به آخرت یقین دارند. آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند، و آنانند رستگاران.

۸. کمک و اتفاق به نیازمندان: «فَاتَّ دَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَشْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»^{۶۵}؛ پس حق نزدیکان و مسکینان و در راهمندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.

۹. امر به معروف و نهی از منکر: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»^{۶۶}؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ و آنها همان رستگارانند.

۱۰. عمل صالح: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ.»^{۶۷}؛ اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می‌کند؛

این همان پیروزی بزرگ است.

۱۱. تزکیه نفس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا»^{۶۸}؛ هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده است.

۱۲. صبر و استقامت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»^{۶۹}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها)، استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از

مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا پرهیزید، شاید رستگار شوید!

۱۳. پرهیز از محرمات: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنْصَابُ وَالأَزْلامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»^{۷۰}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهایی که با آنها تقسیم می‌کنید، پلید است و از کارهای شیطان، پس از آن دوری کنید تا شاید رستگار شوید.

۱۴. اخلاص و دعا: «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَّتْ بِرَبِّهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَاُ اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ.»^{۷۱}؛ او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت میدهد و خوشحال می‌شوند، ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می‌آید؛ و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!»

۱۵. شکر خداوند: «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند؛ و آنان رستگارانند.

۳. هجرت و جهاد در راه خدا: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.»^{۷۲}؛ آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند.

۴. تقوا: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.»^{۷۳}؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند.

۵. توکل: «إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلاَ غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.»^{۷۴}؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد؛ و اگر دست از یاری شما بردارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند...

۶. اطاعت از رسول خدا: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»^{۷۵}؛ همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیار پاکیزه را برای آنها حلال

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره، ۱۸۵.
۲. بقره، ۲.
۳. فرقان، ۱.
۴. نساء، ۱۷۴.
۵. اسراء، ۸۲.
۶. اسراء، ۹.
۷. نمل، ۲۱.
۸. حشر، ۲۱.
۹. اصول کافی ج ۲ ص ۴۵۹.
۱۰. بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۱۲.
۱۱. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۷۳.
۱۲. اصول کافی جلد ۴ ص / ۴۱۲.
۱۳. همان / ص ۴۰۰.
۱۴. امالی صدوق ۴۲۸.
۱۵. آداب الصلوه، ص ۱۸۴.
۱۶. تفسیر سوره حمد، ص ۱۷۰.
۱۷. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۸۷.
۱۸. در محضر بهجت: ۲/۱۵۰.
۱۹. در محضر بهجت: ۱/۵۵.
۲۰. در محضر بهجت: ۱/۳۶.
۲۱. در محضر بهجت: ۱/۵۵.
۲۲. در محضر بهجت: ۱/۱۱۲.
۲۳. در محضر بهجت: ۲/۱۳۵.
۲۴. اسراء، ۸۲.
۲۵. فصلت، ۴۴.
۲۶. یونس، ۵۷.
۲۷. جار الله زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۶۸۹.
۲۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
۲۹. ابوالفتح رازی، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۲، ص ۲۷۶.
۳۰. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۳۴، (با اندکی تصرف).
- ۳۱.
۳۲. اعراف، ۲۰۳.
۳۳. یونس، ۵۷.
۳۴. روم، ۵۳.
۳۵. بقره، ۲.
۳۶. یوسف، ۱۱۱.
۳۷. انعام، ۱۵۵.
۳۸. مریم، ۷۱ و ۷۲.
۳۹. صف، ۱۰.
۴۰. هود، ۶۶.
۴۱. هود، ۵۸.
۴۲. انعام، ۶۳ و ۶۴.
۴۳. نحل، ۶۴.
۴۴. اعراف، ۵۲.
۴۵. بقره، ۲.
۴۶. لقمان، ۳ و ۲.
۴۷. مائده، ۱۴ و ۱۵.
۴۸. مجادله، ۲۲.
۴۹. انعام، ۱۶۴.
۵۰. رعد، ۱۶.
۵۱. آل عمران، ۱۵۰.
۵۲. آل عمران، ۱۷۳.
۵۳. توبه، ۱۱۸.
۵۴. زمر، ۳۸.
۵۵. روم، ۳۰.
۵۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷۸.
۵۷. مجموعه آثار، ۲/ ص ۲۹۰-۲۹۱.
۵۸. نور، ۵۴.
۵۹. بقره، ۵ و ۴.
۶۰. توبه، ۲۰.
۶۱. نور، ۵۲.
۶۲. آل عمران، آیه ۱۶۰.
۶۳. اعراف، ۱۵۷.
۶۴. لقمان، ۵ و ۴.
۶۵. روم، ۳۸.
۶۶. آل عمران، ۱۰۴.
۶۷. جاثیه، ۳۰.
۶۸. شمس، ۹.
۶۹. آل عمران، ۲۰۰.
۷۰. مائده، ۹۰.
۷۱. یونس، ۲۲.
۷۲. ابراهیم، ۷.
۷۳. مؤمنون، ۱۱۷.
۷۴. نساء، ۱۴.
۷۵. انعام، ۷۰.
۷۶. یونس، ۵۲.
۷۷. نور، ۱۹.
۷۸. توبه، ۶۸.

لَشَدِيدٍ»^{۷۳}؛ و (همچنین به خاطر بی‌آوردی) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

موانع نجات و رستگاری

همان گونه که قرآن به راه‌های نجات و رستگاری می‌پردازد، به موانع آن نیز اشاره می‌فرماید. در یک نگاه کلی می‌توان برخی از این موانع را اینگونه برشمرد:

۱. شرک و کفر: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ»^{۷۴}؛ و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند و مسلماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت. حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ یقیناً کافران رستگار نخواهند شد.

۲. نافرمانی خدا و پیامبر: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»^{۷۵}؛ و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

۳. تخفیف دین: «وَدَّرَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَسْبَلُ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا سَفِيحٌ وَإِنْ تَعَدَّلَ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»^{۷۶}؛ و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته، و با این (قرآن)، به آنها یادآوری نما، تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند! (و در قیامت) جز خدا، نه یابوری دارند، و نه شفاعت‌کننده‌ای! (و چنین کسی) هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد؛ آنها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده‌اند که خود انجام داده‌اند؛ نوشتابه‌ای از آب سوزان برای آنهاست؛ و عذاب دردناکی بخاطر اینکه کفر می‌ورزیدند (و آیات الهی را انکار) می‌کردند.

۴. ظلم: «ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ»^{۷۷}؛ سپس به کسانی که ستم کردند گفته می‌شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده می‌شوید؟!»

۵. اشاعه فساد: «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تُشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^{۷۸}؛ کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

۶. نفاق: «وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتُ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُبِيمٌ»^{۷۹}؛ خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ داده؛ جاودانه در آن خواهند ماند. همان برای آنها کافی است! و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته؛ و عذاب همیشگی برای آنهاست!